

مكتبة الملك فيصل
لا حول ولا قوة الا بالله

ارضا شفا شاه اهل التبر اور شاه ولي الله رحمهما الله نسخة نيا ب مسمي به

حجرات

لعمري انشجران پير فقير الله وعبد العزيز باسم الله واد عرف و لو هم مطبع

مطبع محمد علي لا بو مطبوع

Wash

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين في الصلوة والسلام على رسوله محمد وآله واصحابه جميعين **الفصل**
 في رسالة الشيخ **باب** في بيان **باب** اول **دريمان** عتقاديك بر بر مسلمان است
 آن لازم است **باب** دوم **دريمان** آنچه عمل كردن آن فرض واجب است
 يا مستحب است چنانچه احكام نماز و روزه و حج و زكوة و غير ذاك **باب** سوم
دريمان فضائل اعمال كه اكمل اسلام بدان تعلق دارد **باب** چهارم **دريمان** بعضي
 از نصايح و حكم عامه كه مردمان را نافع باشد **باب** اول **دريمان** عقائد اهل
 سنت و جماعت **عقيد** بايد دانست كه عالم بجمع اجزاي خویش
 حادث و نو پديد است يعني نبود بعد از آن پديد شده و پديد شده را پديد كنده
 لازم است و پديد كنده عالم الله تعالى است كه سبب و سببگون و بي است و
 بي نمون نه جسم است نه جوهر نه خارج است نه عرض نه معدود است نه محدود نه جزوا
 نه كل نه ديدمانست نه در مكان نه اورگسي خطيبت نمعين نه ويرا صدق نه در
 و با كيره است از جميع سنات نقص و زوال متصف و موصوفت بحسن صفات كمال
عقيد و اوصاف نه عين ذات اند و غير ذات از ليس بغير است و ابدى است
 بغير است و زنده است كه هرگز نمي ميرد و شفو است نه از راه كوش يقين است بولاست

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

و اماست نه بجهله زبان و اماست بهر شيا تو اماست بر همه چيز مار هر چه ميگند
 بلند تر كر اميد دوا ميدهم و اذن اليعاد خالق كل شئ
 ليس كمثله شئ في الارض ولا في السماء وهو
 السميع العليم عقیده کلام اوسبحانه نه از جنس حرفت نه صوة قدیم است قائم
 بذاست او دران خلق و بجا دارا زیت قران مجید که کلام اوست هم قائم باوست این
 الفاظ و خطوط دالات بران میکند عقیده جمله افعال بندگان چه نیک و چه بد از
 خلق و بجا دوا سبحانه تعالی است و کسب بندگان از فعل نیک ضعیف است از بدنا ضعیف
 جزا کار نیک نرا کار بر منوط بر قدرت کسب است عقیده انبیا صلوة الله وسلامه
 علیهم بنده گانند که اوسبحانه تعالی به تبلیغ حکام خود و طرف عباده خویش فرستاده
 تا او ام و نوایی او بری کم و کاست ابلاغ نمایند و خرق عادت ایشان معجزات اند
 از لای بر صحت نبوة اول جمله انبیا آدم است علیه السلام و آخر نموده صلی الله علیه و آله
 و سلم و در میان هر دو بسیار پیغمبرین بوده اند بعضی افضل از بعضی ثلاث الوسل
 فضلنا بعضهم على بعض برگزیده تر از همه محبت است صلی الله علیه و سلم
 عقیده ملائک بندگان حق سبحانه و تعالی مستند مجر و نورانی نه متصف
 بدکورت نه با نوشت سرگز ناو نانی حکم وی کنند لا یعصون الله ما امرهم
 و يفعلون ما یؤمرون عقیده چندین کتب که اوسبحانه تعالی بریل
 خود فرستاده حق است در است چنانچه تورات رب موسی و انجیل رب عیسی و زبور
 بر دواود و صحف بر بریم و غیره و قران مجید بر محمد صلی الله علیه و سلم و قران
 ناخ احکام جمله کتابهاست عقیده روز قیامت

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله
عقیده کلام اوسبحانه تعالی به تبلیغ حکام خود و طرف عباده خویش فرستاده تا او ام و نوایی او بری کم و کاست ابلاغ نمایند و خرق عادت ایشان معجزات اند از لای بر صحت نبوة اول جمله انبیا آدم است علیه السلام و آخر نموده صلی الله علیه و آله و سلم و در میان هر دو بسیار پیغمبرین بوده اند بعضی افضل از بعضی ثلاث الوسل فضلنا بعضهم على بعض برگزیده تر از همه محبت است صلی الله علیه و سلم عقیده ملائک بندگان حق سبحانه و تعالی مستند مجر و نورانی نه متصف بدکورت نه با نوشت سرگز ناو نانی حکم وی کنند لا یعصون الله ما امرهم و يفعلون ما یؤمرون عقیده چندین کتب که اوسبحانه تعالی بریل خود فرستاده حق است در است چنانچه تورات رب موسی و انجیل رب عیسی و زبور بر دواود و صحف بر بریم و غیره و قران مجید بر محمد صلی الله علیه و سلم و قران ناخ احکام جمله کتابهاست عقیده روز قیامت

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله
عقیده کلام اوسبحانه تعالی به تبلیغ حکام خود و طرف عباده خویش فرستاده تا او ام و نوایی او بری کم و کاست ابلاغ نمایند و خرق عادت ایشان معجزات اند از لای بر صحت نبوة اول جمله انبیا آدم است علیه السلام و آخر نموده صلی الله علیه و آله و سلم و در میان هر دو بسیار پیغمبرین بوده اند بعضی افضل از بعضی ثلاث الوسل فضلنا بعضهم على بعض برگزیده تر از همه محبت است صلی الله علیه و سلم عقیده ملائک بندگان حق سبحانه و تعالی مستند مجر و نورانی نه متصف بدکورت نه با نوشت سرگز ناو نانی حکم وی کنند لا یعصون الله ما امرهم و يفعلون ما یؤمرون عقیده چندین کتب که اوسبحانه تعالی بریل خود فرستاده حق است در است چنانچه تورات رب موسی و انجیل رب عیسی و زبور بر دواود و صحف بر بریم و غیره و قران مجید بر محمد صلی الله علیه و سلم و قران ناخ احکام جمله کتابهاست عقیده روز قیامت

۱۰ موجب قتل نفس و جبر و قتل
 انذار و اوردن محض قتل
 نفس کید ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰ ۱۰۱ ۱۰۲ ۱۰۳ ۱۰۴ ۱۰۵ ۱۰۶ ۱۰۷ ۱۰۸ ۱۰۹ ۱۱۰ ۱۱۱ ۱۱۲ ۱۱۳ ۱۱۴ ۱۱۵ ۱۱۶ ۱۱۷ ۱۱۸ ۱۱۹ ۱۲۰ ۱۲۱ ۱۲۲ ۱۲۳ ۱۲۴ ۱۲۵ ۱۲۶ ۱۲۷ ۱۲۸ ۱۲۹ ۱۳۰ ۱۳۱ ۱۳۲ ۱۳۳ ۱۳۴ ۱۳۵ ۱۳۶ ۱۳۷ ۱۳۸ ۱۳۹ ۱۴۰ ۱۴۱ ۱۴۲ ۱۴۳ ۱۴۴ ۱۴۵ ۱۴۶ ۱۴۷ ۱۴۸ ۱۴۹ ۱۵۰ ۱۵۱ ۱۵۲ ۱۵۳ ۱۵۴ ۱۵۵ ۱۵۶ ۱۵۷ ۱۵۸ ۱۵۹ ۱۶۰ ۱۶۱ ۱۶۲ ۱۶۳ ۱۶۴ ۱۶۵ ۱۶۶ ۱۶۷ ۱۶۸ ۱۶۹ ۱۷۰ ۱۷۱ ۱۷۲ ۱۷۳ ۱۷۴ ۱۷۵ ۱۷۶ ۱۷۷ ۱۷۸ ۱۷۹ ۱۸۰ ۱۸۱ ۱۸۲ ۱۸۳ ۱۸۴ ۱۸۵ ۱۸۶ ۱۸۷ ۱۸۸ ۱۸۹ ۱۹۰ ۱۹۱ ۱۹۲ ۱۹۳ ۱۹۴ ۱۹۵ ۱۹۶ ۱۹۷ ۱۹۸ ۱۹۹ ۲۰۰ ۲۰۱ ۲۰۲ ۲۰۳ ۲۰۴ ۲۰۵ ۲۰۶ ۲۰۷ ۲۰۸ ۲۰۹ ۲۱۰ ۲۱۱ ۲۱۲ ۲۱۳ ۲۱۴ ۲۱۵ ۲۱۶ ۲۱۷ ۲۱۸ ۲۱۹ ۲۲۰ ۲۲۱ ۲۲۲ ۲۲۳ ۲۲۴ ۲۲۵ ۲۲۶ ۲۲۷ ۲۲۸ ۲۲۹ ۲۳۰ ۲۳۱ ۲۳۲ ۲۳۳ ۲۳۴ ۲۳۵ ۲۳۶ ۲۳۷ ۲۳۸ ۲۳۹ ۲۴۰ ۲۴۱ ۲۴۲ ۲۴۳ ۲۴۴ ۲۴۵ ۲۴۶ ۲۴۷ ۲۴۸ ۲۴۹ ۲۵۰ ۲۵۱ ۲۵۲ ۲۵۳ ۲۵۴ ۲۵۵ ۲۵۶ ۲۵۷ ۲۵۸ ۲۵۹ ۲۶۰ ۲۶۱ ۲۶۲ ۲۶۳ ۲۶۴ ۲۶۵ ۲۶۶ ۲۶۷ ۲۶۸ ۲۶۹ ۲۷۰ ۲۷۱ ۲۷۲ ۲۷۳ ۲۷۴ ۲۷۵ ۲۷۶ ۲۷۷ ۲۷۸ ۲۷۹ ۲۸۰ ۲۸۱ ۲۸۲ ۲۸۳ ۲۸۴ ۲۸۵ ۲۸۶ ۲۸۷ ۲۸۸ ۲۸۹ ۲۹۰ ۲۹۱ ۲۹۲ ۲۹۳ ۲۹۴ ۲۹۵ ۲۹۶ ۲۹۷ ۲۹۸ ۲۹۹ ۳۰۰ ۳۰۱ ۳۰۲ ۳۰۳ ۳۰۴ ۳۰۵ ۳۰۶ ۳۰۷ ۳۰۸ ۳۰۹ ۳۱۰ ۳۱۱ ۳۱۲ ۳۱۳ ۳۱۴ ۳۱۵ ۳۱۶ ۳۱۷ ۳۱۸ ۳۱۹ ۳۲۰ ۳۲۱ ۳۲۲ ۳۲۳ ۳۲۴ ۳۲۵ ۳۲۶ ۳۲۷ ۳۲۸ ۳۲۹ ۳۳۰ ۳۳۱ ۳۳۲ ۳۳۳ ۳۳۴ ۳۳۵ ۳۳۶ ۳۳۷ ۳۳۸ ۳۳۹ ۳۴۰ ۳۴۱ ۳۴۲ ۳۴۳ ۳۴۴ ۳۴۵ ۳۴۶ ۳۴۷ ۳۴۸ ۳۴۹ ۳۵۰ ۳۵۱ ۳۵۲ ۳۵۳ ۳۵۴ ۳۵۵ ۳۵۶ ۳۵۷ ۳۵۸ ۳۵۹ ۳۶۰ ۳۶۱ ۳۶۲ ۳۶۳ ۳۶۴ ۳۶۵ ۳۶۶ ۳۶۷ ۳۶۸ ۳۶۹ ۳۷۰ ۳۷۱ ۳۷۲ ۳۷۳ ۳۷۴ ۳۷۵ ۳۷۶ ۳۷۷ ۳۷۸ ۳۷۹ ۳۸۰ ۳۸۱ ۳۸۲ ۳۸۳ ۳۸۴ ۳۸۵ ۳۸۶ ۳۸۷ ۳۸۸ ۳۸۹ ۳۹۰ ۳۹۱ ۳۹۲ ۳۹۳ ۳۹۴ ۳۹۵ ۳۹۶ ۳۹۷ ۳۹۸ ۳۹۹ ۴۰۰ ۴۰۱ ۴۰۲ ۴۰۳ ۴۰۴ ۴۰۵ ۴۰۶ ۴۰۷ ۴۰۸ ۴۰۹ ۴۱۰ ۴۱۱ ۴۱۲ ۴۱۳ ۴۱۴ ۴۱۵ ۴۱۶ ۴۱۷ ۴۱۸ ۴۱۹ ۴۲۰ ۴۲۱ ۴۲۲ ۴۲۳ ۴۲۴ ۴۲۵ ۴۲۶ ۴۲۷ ۴۲۸ ۴۲۹ ۴۳۰ ۴۳۱ ۴۳۲ ۴۳۳ ۴۳۴ ۴۳۵ ۴۳۶ ۴۳۷ ۴۳۸ ۴۳۹ ۴۴۰ ۴۴۱ ۴۴۲ ۴۴۳ ۴۴۴ ۴۴۵ ۴۴۶ ۴۴۷ ۴۴۸ ۴۴۹ ۴۵۰ ۴۵۱ ۴۵۲ ۴۵۳ ۴۵۴ ۴۵۵ ۴۵۶ ۴۵۷ ۴۵۸ ۴۵۹ ۴۶۰ ۴۶۱ ۴۶۲ ۴۶۳ ۴۶۴ ۴۶۵ ۴۶۶ ۴۶۷ ۴۶۸ ۴۶۹ ۴۷۰ ۴۷۱ ۴۷۲ ۴۷۳ ۴۷۴ ۴۷۵ ۴۷۶ ۴۷۷ ۴۷۸ ۴۷۹ ۴۸۰ ۴۸۱ ۴۸۲ ۴۸۳ ۴۸۴ ۴۸۵ ۴۸۶ ۴۸۷ ۴۸۸ ۴۸۹ ۴۹۰ ۴۹۱ ۴۹۲ ۴۹۳ ۴۹۴ ۴۹۵ ۴۹۶ ۴۹۷ ۴۹۸ ۴۹۹ ۵۰۰ ۵۰۱ ۵۰۲ ۵۰۳ ۵۰۴ ۵۰۵ ۵۰۶ ۵۰۷ ۵۰۸ ۵۰۹ ۵۱۰ ۵۱۱ ۵۱۲ ۵۱۳ ۵۱۴ ۵۱۵ ۵۱۶ ۵۱۷ ۵۱۸ ۵۱۹ ۵۲۰ ۵۲۱ ۵۲۲ ۵۲۳ ۵۲۴ ۵۲۵ ۵۲۶ ۵۲۷ ۵۲۸ ۵۲۹ ۵۳۰ ۵۳۱ ۵۳۲ ۵۳۳ ۵۳۴ ۵۳۵ ۵۳۶ ۵۳۷ ۵۳۸ ۵۳۹ ۵۴۰ ۵۴۱ ۵۴۲ ۵۴۳ ۵۴۴ ۵۴۵ ۵۴۶ ۵۴۷ ۵۴۸ ۵۴۹ ۵۵۰ ۵۵۱ ۵۵۲ ۵۵۳ ۵۵۴ ۵۵۵ ۵۵۶ ۵۵۷ ۵۵۸ ۵۵۹ ۵۶۰ ۵۶۱ ۵۶۲ ۵۶۳ ۵۶۴ ۵۶۵ ۵۶۶ ۵۶۷ ۵۶۸ ۵۶۹ ۵۷۰ ۵۷۱ ۵۷۲ ۵۷۳ ۵۷۴ ۵۷۵ ۵۷۶ ۵۷۷ ۵۷۸ ۵۷۹ ۵۸۰ ۵۸۱ ۵۸۲ ۵۸۳ ۵۸۴ ۵۸۵ ۵۸۶ ۵۸۷ ۵۸۸ ۵۸۹ ۵۹۰ ۵۹۱ ۵۹۲ ۵۹۳ ۵۹۴ ۵۹۵ ۵۹۶ ۵۹۷ ۵۹۸ ۵۹۹ ۶۰۰ ۶۰۱ ۶۰۲ ۶۰۳ ۶۰۴ ۶۰۵ ۶۰۶ ۶۰۷ ۶۰۸ ۶۰۹ ۶۱۰ ۶۱۱ ۶۱۲ ۶۱۳ ۶۱۴ ۶۱۵ ۶

تقدیر
 چو شیرین با صفت خود
 این منصف است
 چنانکه مستزاد توغ
 میگوند
 خدای اعلی
 آید بعد از آن
 از ۱۳۵۰
 درازا سارکار کان
 نوباد شاهان
 گنجانان
 قتل
 نام
 که مخالف
 بر
 کبر
 بلا
 بر
 شفاعت
 و قبول

(Handwritten notes in Urdu script covering the bottom half of the page)

از نام و غیره ۱۳۵
 ۵۹
 ۵۸
 ۵۷
 ۵۶
 ۵۵
 ۵۴
 ۵۳
 ۵۲
 ۵۱
 ۵۰
 ۴۹
 ۴۸
 ۴۷
 ۴۶
 ۴۵
 ۴۴
 ۴۳
 ۴۲
 ۴۱
 ۴۰
 ۳۹
 ۳۸
 ۳۷
 ۳۶
 ۳۵
 ۳۴
 ۳۳
 ۳۲
 ۳۱
 ۳۰
 ۲۹
 ۲۸
 ۲۷
 ۲۶
 ۲۵
 ۲۴
 ۲۳
 ۲۲
 ۲۱
 ۲۰
 ۱۹
 ۱۸
 ۱۷
 ۱۶
 ۱۵
 ۱۴
 ۱۳
 ۱۲
 ۱۱
 ۱۰
 ۹
 ۸
 ۷
 ۶
 ۵
 ۴
 ۳
 ۲
 ۱

این کتاب در سال ۱۳۰۴ هجری قمری
در شهر تبریز چاپ شده است
تألیف و تصحیف
مطبعه مطهریه

عسل آب در دمان و در بینی کردن و بر تمام ظاهر بدن خود روان نمودن مسئله
سنن غسل اول هر دو دست و پنج و هر جایگی که بر ظاهر بدن باشد بشوید بعد از آن
در وضو سازد و گری پای خود را که بعد از غسل شوی پس سه بار بر تمام بدن آب روان نماید
اگر بخ شوی سر زن تر شود حاجت بکشادن سکو بافته نافه مسئله سوجاه غسل بر آن
سعی چند است که بالذات بود اما شرط چندگی و شہوت در وقت جدا شدن ارتفاع
خود مقبر است گو که در زمان بریدن از سر قضیب این شرط و طفقو گردد و ایکس غسل دو بار
نشد و الا بوقت خروج و دخول هر فکر در قبل یا دیگر که بر طرفین غسل فرض گردد و در وقت
نحو چین نفاس خرش می که عند الملامت برمی آید همچنین و دمی که آب شست بعد
بول ظاهر گردد و همچنین حکم دارد و خواب حلال که در آن منی بر ناید و اغیر خاسته نماید
که موجب غسل نشود مسئله غسل سننست بر سر جمعه و عیدین و احوام و در وقت
مسئله غسل واجب است را کسی را که نو اسلام آورده باشد و در وقت
حالت کفر خیانت داشته باشد و اگر خیانت نداشته باشد و در صورت غسل مستحب
مسئله تیمم کتبات از زون هر دو کف دست بر خاک پاک است یا چیزی که از جنس زمین
باشد یعنی نشود و گدازد و هر چند که بخار داشته باشد نیست تیمم مالک آن اظهار روی خود
از سنگاه موی پیشانی تا زرخ و از زرد گوش دیگر و بار دیگر زون و سج هر دو
تا آنجی که در قیام شود مقام وضو اگر نیت آن باشد و مقام غسل اگر نیت آن کند
هر کسی را که در باشد از آب بحد یک میل که عبارت از چهار برار ذراع است و هر ذراع سه
چهار انگشت است و یا اگر در نباشد بر تمام آسب سبب مرضی که در و یا خوف پیدا
شدن مرض باشد یا سرمای مهلک یا خوف بد و یا در نده

[illegible][illegible]

یا ترشنگی که آب دیگر را می نوشیدن نداری یا بدون دلورین گو که در چاه آب موجود است
 از بر سر پیا امثال آن قدرت بر استعمال آب نفوذ کرد و تیمم جایز میشود و هیچیم است از یک
 تیمم و فرض یا زیاد کردن و جایز است تیمم پیش از وقت نماز گذاردن مسئله
 تیمم که تیمم را چه میگویند و ضروری دیگر یا نفس آب و قاهر شدن بر استعمال آن و رفع عذری
 که بخیر تیمم کرده باشد مسئله مسیح موزه جایز است اگر پوشیده باشد بر طهارتی که کامل
 بود و وقت حدیث گو که در زمان پوشیدن موزه طهارت کامل نباشد چنانچه کسی تنها
 با موزه در شستن موزه پوشیده بعد از آن ضروری تمام کرد و طهارت مسیح موزه فایم است
 تمام شستن بجز صورت و دست نه در جنابت و حیض و نفاس که مویجات غسل اندک سافر
 و کفایت با وضو است و تیمم را که با وضو از وقت حدیث که بعد پوشیدن موزه عارض
 شده باشد مسئله طهری مسیح موزه آنست که دست را تر کرده از انگشتان یا
 تا ساق بر موزه خط بکشند و پاره بودن موزه بقدر سه انگشت خرد و باسی مانع است
 جواز مسیح را و بیش کنند مسیح را بکشند و ضروری آمدن اکثر قدم از موزه و گذشتن از
 مسیح و جایز است مسیح بر جبهه و عضای و بعد از آن دست طهارت عضو و ایضا مکرر
 اند مسئله اقل ایام حیض سه بار و زشت و اکثر آن ده روز و اقل ده نفاس را که
 بعد ولادت میشود و حدی نیست بعضی کسان پیش از یک ساعت و یک لحظه نباشد و
 اکثر وقت آن چهل روز است و باکی که در میان روزها سه خونت و یکم خون
 و شش ماه حیض نفاس غایب روز و داخل مسجد و طواف کعبه و زیارت و غیره
 و مثل آن منع میکنند حائضه و نفاس روز و قضاء دارند و نماز عفو است و خونیکه غیر حیض
 و نفاس است استحاضه گویند و آن حکم عاف دارد و هیچ چیز مانع نمی کند

یا ترشنگی که آب دیگر را می نوشیدن نداری یا بدون دلورین گو که در چاه آب موجود است
 از بر سر پیا امثال آن قدرت بر استعمال آب نفوذ کرد و تیمم جایز میشود و هیچیم است از یک
 تیمم و فرض یا زیاد کردن و جایز است تیمم پیش از وقت نماز گذاردن مسئله
 تیمم که تیمم را چه میگویند و ضروری دیگر یا نفس آب و قاهر شدن بر استعمال آن و رفع عذری
 که بخیر تیمم کرده باشد مسئله مسیح موزه جایز است اگر پوشیده باشد بر طهارتی که کامل
 بود و وقت حدیث گو که در زمان پوشیدن موزه طهارت کامل نباشد چنانچه کسی تنها
 با موزه در شستن موزه پوشیده بعد از آن ضروری تمام کرد و طهارت مسیح موزه فایم است
 تمام شستن بجز صورت و دست نه در جنابت و حیض و نفاس که مویجات غسل اندک سافر
 و کفایت با وضو است و تیمم را که با وضو از وقت حدیث که بعد پوشیدن موزه عارض
 شده باشد مسئله طهری مسیح موزه آنست که دست را تر کرده از انگشتان یا
 تا ساق بر موزه خط بکشند و پاره بودن موزه بقدر سه انگشت خرد و باسی مانع است
 جواز مسیح را و بیش کنند مسیح را بکشند و ضروری آمدن اکثر قدم از موزه و گذشتن از
 مسیح و جایز است مسیح بر جبهه و عضای و بعد از آن دست طهارت عضو و ایضا مکرر
 اند مسئله اقل ایام حیض سه بار و زشت و اکثر آن ده روز و اقل ده نفاس را که
 بعد ولادت میشود و حدی نیست بعضی کسان پیش از یک ساعت و یک لحظه نباشد و
 اکثر وقت آن چهل روز است و باکی که در میان روزها سه خونت و یکم خون
 و شش ماه حیض نفاس غایب روز و داخل مسجد و طواف کعبه و زیارت و غیره
 و مثل آن منع میکنند حائضه و نفاس روز و قضاء دارند و نماز عفو است و خونیکه غیر حیض
 و نفاس است استحاضه گویند و آن حکم عاف دارد و هیچ چیز مانع نمی کند

یا ترشنگی که آب دیگر را می نوشیدن نداری یا بدون دلورین گو که در چاه آب موجود است
 از بر سر پیا امثال آن قدرت بر استعمال آب نفوذ کرد و تیمم جایز میشود و هیچیم است از یک
 تیمم و فرض یا زیاد کردن و جایز است تیمم پیش از وقت نماز گذاردن مسئله
 تیمم که تیمم را چه میگویند و ضروری دیگر یا نفس آب و قاهر شدن بر استعمال آن و رفع عذری
 که بخیر تیمم کرده باشد مسئله مسیح موزه جایز است اگر پوشیده باشد بر طهارتی که کامل
 بود و وقت حدیث گو که در زمان پوشیدن موزه طهارت کامل نباشد چنانچه کسی تنها
 با موزه در شستن موزه پوشیده بعد از آن ضروری تمام کرد و طهارت مسیح موزه فایم است
 تمام شستن بجز صورت و دست نه در جنابت و حیض و نفاس که مویجات غسل اندک سافر
 و کفایت با وضو است و تیمم را که با وضو از وقت حدیث که بعد پوشیدن موزه عارض
 شده باشد مسئله طهری مسیح موزه آنست که دست را تر کرده از انگشتان یا
 تا ساق بر موزه خط بکشند و پاره بودن موزه بقدر سه انگشت خرد و باسی مانع است
 جواز مسیح را و بیش کنند مسیح را بکشند و ضروری آمدن اکثر قدم از موزه و گذشتن از
 مسیح و جایز است مسیح بر جبهه و عضای و بعد از آن دست طهارت عضو و ایضا مکرر
 اند مسئله اقل ایام حیض سه بار و زشت و اکثر آن ده روز و اقل ده نفاس را که
 بعد ولادت میشود و حدی نیست بعضی کسان پیش از یک ساعت و یک لحظه نباشد و
 اکثر وقت آن چهل روز است و باکی که در میان روزها سه خونت و یکم خون
 و شش ماه حیض نفاس غایب روز و داخل مسجد و طواف کعبه و زیارت و غیره
 و مثل آن منع میکنند حائضه و نفاس روز و قضاء دارند و نماز عفو است و خونیکه غیر حیض
 و نفاس است استحاضه گویند و آن حکم عاف دارد و هیچ چیز مانع نمی کند

یا ترشنگی که آب دیگر را می نوشیدن نداری یا بدون دلورین گو که در چاه آب موجود است
 از بر سر پیا امثال آن قدرت بر استعمال آب نفوذ کرد و تیمم جایز میشود و هیچیم است از یک
 تیمم و فرض یا زیاد کردن و جایز است تیمم پیش از وقت نماز گذاردن مسئله
 تیمم که تیمم را چه میگویند و ضروری دیگر یا نفس آب و قاهر شدن بر استعمال آن و رفع عذری
 که بخیر تیمم کرده باشد مسئله مسیح موزه جایز است اگر پوشیده باشد بر طهارتی که کامل
 بود و وقت حدیث گو که در زمان پوشیدن موزه طهارت کامل نباشد چنانچه کسی تنها
 با موزه در شستن موزه پوشیده بعد از آن ضروری تمام کرد و طهارت مسیح موزه فایم است
 تمام شستن بجز صورت و دست نه در جنابت و حیض و نفاس که مویجات غسل اندک سافر
 و کفایت با وضو است و تیمم را که با وضو از وقت حدیث که بعد پوشیدن موزه عارض
 شده باشد مسئله طهری مسیح موزه آنست که دست را تر کرده از انگشتان یا
 تا ساق بر موزه خط بکشند و پاره بودن موزه بقدر سه انگشت خرد و باسی مانع است
 جواز مسیح را و بیش کنند مسیح را بکشند و ضروری آمدن اکثر قدم از موزه و گذشتن از
 مسیح و جایز است مسیح بر جبهه و عضای و بعد از آن دست طهارت عضو و ایضا مکرر
 اند مسئله اقل ایام حیض سه بار و زشت و اکثر آن ده روز و اقل ده نفاس را که
 بعد ولادت میشود و حدی نیست بعضی کسان پیش از یک ساعت و یک لحظه نباشد و
 اکثر وقت آن چهل روز است و باکی که در میان روزها سه خونت و یکم خون
 و شش ماه حیض نفاس غایب روز و داخل مسجد و طواف کعبه و زیارت و غیره
 و مثل آن منع میکنند حائضه و نفاس روز و قضاء دارند و نماز عفو است و خونیکه غیر حیض
 و نفاس است استحاضه گویند و آن حکم عاف دارد و هیچ چیز مانع نمی کند

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على سيدنا محمد
 وآله الطيبين الطاهرين
 أجمعين

در وقت نماز وضو سازد و نماز کند اگر گوشت بخورد روان باشد و از برآمدن وقت وضو
 نمیشکند مسئله یک می شود بدن و جامه از آب و نه چوبیدن آن چنانچه سرکه و گلاب قدر
 یک دریم که کف دست باشد عفو است از نجاست غلیظه مثل بول و غائط آدمی و خون
 خمر و پخمال مرغ و بول جانور اینکه خورده نمیشود و گوشت آنها و سرگین گاو و بپت
 و بقدر بیع جامه که عبارت از مال است در مال است عفو است از نجاست غلیظه مثل
 بول جانور و گوشت آنها خورده میشود و بول پسر پخیان رسیده که ماکولیت لحم شان
 و خون باقی نعاب خورده و بولیک بقدر سرسوزن قطرات آن بر جامه افتد و نجاست
 پاک میگردد و زوال جسمی و غیرین و اگر از ستن سه مسئله جایز است غسل وضو و
 آب باران و آب چشمه و آب دریا اگر چه لغیر داده باشد چیزی پاک احد او صاف دینا
 که رنگ لوی و فربه است و آب نجس میشود و از وقوع نجس اگر جاری یا دره دره
 که در حکم جاریت نباشد مسئله آب جامی که در آن نجاست افتد تمام باید کشید
 و همچنین برون جانوری مثل آدمی و سگ و بز و میش و آهاسیدن و پاره
 شدن آن هر چند که جانور خورده باشد و اگر آسیده و پاره نشده باشد پس از موت
 مثل مورخ که نجاست است و اگر کشیده و بشل مرغ و کبوتر و گربه و حیوان مسئله وقت
 نماز و از صبح صادق است تا طلوع آفتاب وقت ظهر و زوال آفتاب تا رسیدن
 سایه هر چه در جلدان سواد صلی و عصر از آخر ظهر تا غروب و مغرب از غروب تا زوال
 شفق که سفید است بعد از غروب و غشا و در زوال شفق تا صبح صادق و در برابر
 غشا تقدیم نمایند و نماز مسجد تلاوت مجموع است در عین وقت طلوع و غروب
 غروب اگر نماز عصر از روز که غروب تمام جایز است مسئله اذان و اقامه و گنجینه

در وقت نماز وضو سازد و نماز کند اگر گوشت بخورد روان باشد و از برآمدن وقت وضو
 نمیشکند مسئله یک می شود بدن و جامه از آب و نه چوبیدن آن چنانچه سرکه و گلاب قدر
 یک دریم که کف دست باشد عفو است از نجاست غلیظه مثل بول و غائط آدمی و خون
 خمر و پخمال مرغ و بول جانور اینکه خورده نمیشود و گوشت آنها و سرگین گاو و بپت
 و بقدر بیع جامه که عبارت از مال است در مال است عفو است از نجاست غلیظه مثل
 بول جانور و گوشت آنها خورده میشود و بول پسر پخیان رسیده که ماکولیت لحم شان
 و خون باقی نعاب خورده و بولیک بقدر سرسوزن قطرات آن بر جامه افتد و نجاست
 پاک میگردد و زوال جسمی و غیرین و اگر از ستن سه مسئله جایز است غسل وضو و
 آب باران و آب چشمه و آب دریا اگر چه لغیر داده باشد چیزی پاک احد او صاف دینا
 که رنگ لوی و فربه است و آب نجس میشود و از وقوع نجس اگر جاری یا دره دره
 که در حکم جاریت نباشد مسئله آب جامی که در آن نجاست افتد تمام باید کشید
 و همچنین برون جانوری مثل آدمی و سگ و بز و میش و آهاسیدن و پاره
 شدن آن هر چند که جانور خورده باشد و اگر آسیده و پاره نشده باشد پس از موت
 مثل مورخ که نجاست است و اگر کشیده و بشل مرغ و کبوتر و گربه و حیوان مسئله وقت
 نماز و از صبح صادق است تا طلوع آفتاب وقت ظهر و زوال آفتاب تا رسیدن
 سایه هر چه در جلدان سواد صلی و عصر از آخر ظهر تا غروب و مغرب از غروب تا زوال
 شفق که سفید است بعد از غروب و غشا و در زوال شفق تا صبح صادق و در برابر
 غشا تقدیم نمایند و نماز مسجد تلاوت مجموع است در عین وقت طلوع و غروب
 غروب اگر نماز عصر از روز که غروب تمام جایز است مسئله اذان و اقامه و گنجینه

در وقت نماز وضو سازد و نماز کند اگر گوشت بخورد روان باشد و از برآمدن وقت وضو
 نمیشکند مسئله یک می شود بدن و جامه از آب و نه چوبیدن آن چنانچه سرکه و گلاب قدر
 یک دریم که کف دست باشد عفو است از نجاست غلیظه مثل بول و غائط آدمی و خون
 خمر و پخمال مرغ و بول جانور اینکه خورده نمیشود و گوشت آنها و سرگین گاو و بپت
 و بقدر بیع جامه که عبارت از مال است در مال است عفو است از نجاست غلیظه مثل
 بول جانور و گوشت آنها خورده میشود و بول پسر پخیان رسیده که ماکولیت لحم شان
 و خون باقی نعاب خورده و بولیک بقدر سرسوزن قطرات آن بر جامه افتد و نجاست
 پاک میگردد و زوال جسمی و غیرین و اگر از ستن سه مسئله جایز است غسل وضو و
 آب باران و آب چشمه و آب دریا اگر چه لغیر داده باشد چیزی پاک احد او صاف دینا
 که رنگ لوی و فربه است و آب نجس میشود و از وقوع نجس اگر جاری یا دره دره
 که در حکم جاریت نباشد مسئله آب جامی که در آن نجاست افتد تمام باید کشید
 و همچنین برون جانوری مثل آدمی و سگ و بز و میش و آهاسیدن و پاره
 شدن آن هر چند که جانور خورده باشد و اگر آسیده و پاره نشده باشد پس از موت
 مثل مورخ که نجاست است و اگر کشیده و بشل مرغ و کبوتر و گربه و حیوان مسئله وقت
 نماز و از صبح صادق است تا طلوع آفتاب وقت ظهر و زوال آفتاب تا رسیدن
 سایه هر چه در جلدان سواد صلی و عصر از آخر ظهر تا غروب و مغرب از غروب تا زوال
 شفق که سفید است بعد از غروب و غشا و در زوال شفق تا صبح صادق و در برابر
 غشا تقدیم نمایند و نماز مسجد تلاوت مجموع است در عین وقت طلوع و غروب
 غروب اگر نماز عصر از روز که غروب تمام جایز است مسئله اذان و اقامه و گنجینه

سنت است برای نماز و بر مردان مسئله شرط نماز چهار رکن است اول طهارت
 بدن مصلی از نجاست و وضو دوم پاکی جامه سوّم پاکی مکان چهارم سر وضو
 که مردان از آن ناف تا زانو است و همچنین کینک را که هم مردان و اوردگر پشت و شکم و کمر
 آن نیز وضو زن حره را تمام بدن عورت است مگر دینی هر دو کف دست قدم پنجم
 نیت نماز متصل آن ششم توجه جانب قبله مسئله و انقضای نیت چهار رکن است اول تحریر
 که عبارت از تکبیر اول است دوم قیام سوّم و ارات قرآن چهارم رکوع پنجم و ششم قعود
 اخیر و بعد از تشهد هم برآمدن مصلی از نماز و بغیر خویش مسئله واجبات نماز خواندن
 الحمد است و ضم سور که برین بیان نیتین زاده و در رکعت اول و معنی ششم
 ترتیب در اهالی که مکرر میشوند در هر رکعت مثل سجده و تعدیل ارکان نماز و قعود اولی
 و تشهد خواندن و هر دو قعود و بر آن نماز بلفظ سلام و دعا و قنوت و در هر رکعت
 عیدین و بلند خواندن در نماز صبح مغرب و عشاء و است خواندن در نماز ظهر عصر مسئله
 سنن نماز رفع یدین است برای کبیر تحریر و کشاده و شستن انگشتان دست نزدیکان
 گفتن تسبیح یا هم او ثنا و غفر و تسبیح آمین ختم گفتن دست است چپ بر ناف و شستن
 و کبیر وقت و در وضو و تسبیحات و میان آن تسبیح بار گفتن هر دو رکوع اول و دوم
 با کشادگی انگشتان گرفتن و وقت بخاستن از آن سجده الله من حمده گفتن امام را در بیتنا
 که الحمد گفتن مقید نماز او کبیر سجده و تسبیحات و در آن بار گفتن هر دو دست و هر دو رکوع
 را در سجده بر زمین شستن و در قعود بار است را ایستاده کردن و پاهای چپ
 کبیر و در میان رکوع و سجده و قعود بین السجدهین جلسه کردن بعد تشهد و دعا
 برین صلی الله علیه و آله و سلم و فتاوی خود و و الله حق خود و الله من خود

اینکه در وضو و بر مردان مسئله شرط نماز چهار رکن است اول طهارت بدن مصلی از نجاست و وضو دوم پاکی جامه سوّم پاکی مکان چهارم سر وضو که مردان از آن ناف تا زانو است و همچنین کینک را که هم مردان و اوردگر پشت و شکم و کمر آن نیز وضو زن حره را تمام بدن عورت است مگر دینی هر دو کف دست قدم پنجم نیت نماز متصل آن ششم توجه جانب قبله مسئله و انقضای نیت چهار رکن است اول تحریر که عبارت از تکبیر اول است دوم قیام سوّم و ارات قرآن چهارم رکوع پنجم و ششم قعود اخیر و بعد از تشهد هم برآمدن مصلی از نماز و بغیر خویش مسئله واجبات نماز خواندن الحمد است و ضم سور که برین بیان نیتین زاده و در رکعت اول و معنی ششم ترتیب در اهالی که مکرر میشوند در هر رکعت مثل سجده و تعدیل ارکان نماز و قعود اولی و تشهد خواندن و هر دو قعود و بر آن نماز بلفظ سلام و دعا و قنوت و در هر رکعت عیدین و بلند خواندن در نماز صبح مغرب و عشاء و است خواندن در نماز ظهر عصر مسئله سنن نماز رفع یدین است برای کبیر تحریر و کشاده و شستن انگشتان دست نزدیکان گفتن تسبیح یا هم او ثنا و غفر و تسبیح آمین ختم گفتن دست است چپ بر ناف و شستن و کبیر وقت و در وضو و تسبیحات و میان آن تسبیح بار گفتن هر دو رکوع اول و دوم با کشادگی انگشتان گرفتن و وقت بخاستن از آن سجده الله من حمده گفتن امام را در بیتنا که الحمد گفتن مقید نماز او کبیر سجده و تسبیحات و در آن بار گفتن هر دو دست و هر دو رکوع را در سجده بر زمین شستن و در قعود بار است را ایستاده کردن و پاهای چپ کبیر و در میان رکوع و سجده و قعود بین السجدهین جلسه کردن بعد تشهد و دعا برین صلی الله علیه و آله و سلم و فتاوی خود و و الله حق خود و الله من خود

اینکه در وضو و بر مردان مسئله شرط نماز چهار رکن است اول طهارت بدن مصلی از نجاست و وضو دوم پاکی جامه سوّم پاکی مکان چهارم سر وضو که مردان از آن ناف تا زانو است و همچنین کینک را که هم مردان و اوردگر پشت و شکم و کمر آن نیز وضو زن حره را تمام بدن عورت است مگر دینی هر دو کف دست قدم پنجم نیت نماز متصل آن ششم توجه جانب قبله مسئله و انقضای نیت چهار رکن است اول تحریر که عبارت از تکبیر اول است دوم قیام سوّم و ارات قرآن چهارم رکوع پنجم و ششم قعود اخیر و بعد از تشهد هم برآمدن مصلی از نماز و بغیر خویش مسئله واجبات نماز خواندن الحمد است و ضم سور که برین بیان نیتین زاده و در رکعت اول و معنی ششم ترتیب در اهالی که مکرر میشوند در هر رکعت مثل سجده و تعدیل ارکان نماز و قعود اولی و تشهد خواندن و هر دو قعود و بر آن نماز بلفظ سلام و دعا و قنوت و در هر رکعت عیدین و بلند خواندن در نماز صبح مغرب و عشاء و است خواندن در نماز ظهر عصر مسئله سنن نماز رفع یدین است برای کبیر تحریر و کشاده و شستن انگشتان دست نزدیکان گفتن تسبیح یا هم او ثنا و غفر و تسبیح آمین ختم گفتن دست است چپ بر ناف و شستن و کبیر وقت و در وضو و تسبیحات و میان آن تسبیح بار گفتن هر دو رکوع اول و دوم با کشادگی انگشتان گرفتن و وقت بخاستن از آن سجده الله من حمده گفتن امام را در بیتنا که الحمد گفتن مقید نماز او کبیر سجده و تسبیحات و در آن بار گفتن هر دو دست و هر دو رکوع را در سجده بر زمین شستن و در قعود بار است را ایستاده کردن و پاهای چپ کبیر و در میان رکوع و سجده و قعود بین السجدهین جلسه کردن بعد تشهد و دعا برین صلی الله علیه و آله و سلم و فتاوی خود و و الله حق خود و الله من خود

۱- در صورتی که در این مکتب
 ۲- در صورتی که در این مکتب
 ۳- در صورتی که در این مکتب
 ۴- در صورتی که در این مکتب
 ۵- در صورتی که در این مکتب
 ۶- در صورتی که در این مکتب
 ۷- در صورتی که در این مکتب
 ۸- در صورتی که در این مکتب
 ۹- در صورتی که در این مکتب
 ۱۰- در صورتی که در این مکتب

[illegible]

[illegible]

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the letter or a separate note, written in a cursive style.

[illegible][illegible]

من که بیدارم و او خوابی
کمی نشانی با تو بکنی
و کلمات را یاد کنی و از یاد
خالص ماندن از مفردات
پیش اخلاص باشد
این شرط است
استغاثت گوید من

و مشورت از فضائل ذکر و مناقب نماز و احادیث وارده درین باب اکثر و بیشتر است
 که در احاطه ضبط و شمار آورند چنانچه فرموده علیه الصلوٰه و السلام که سبقت گرفتن
 و پیشروی نمودن در راه آخرت کسانیکه بسیار یا میکنند اندک او دیگر فرموده که
 بهترین اعمال نزد یک مدد تعالی و بلند کننده ترین درجات شمار او آسان ترین
 جلای طاعات یا کردن امد سحانه و تعالی است و فرمود اگر همیشه باشید شما در ذکر
 حضرت حق تعالی مصاحف کنید یا شما ملائکه او سحانه تعالی و فرمود که بهترین اعمال آنست
 که بمیرد آدمی و زبان و ترو تازه باشد بذر که امد تعالی و فرمود که نیست هیچ چیز
 نجات دهنده تر از یاد او ذکر امد سحانه و تعالی حتی که جهاد فی سبیل الله نیز بدان
 پایه برین و مرتبه نرسد **فضیلت** باید دانست که هر چند یاد کردن امد
 تعالی بهر وضع و بهر طریقه باشد نیکتر و بهتر است از جمیع طاعات و عبادات خواه
 بدان باشد خواه زبان خواه بجا آورد خواه بجا آید اما آنچه اولیا الله تعالی و
 پیشوایان طریقت و معتدیان حقیقت وضع کرده اند و قرار داده اند بهترین اشیاء
 و فاضلترین اطوار است که فرموده اند کمال آدمیت و شرف انسانیت موقوف بر هیچ چیز
 است اول ترکیب ظاهر دوم تصفیه باطن سوم تنجیه قلب و ترکیب ظاهر عبارت از آنست
 که ظاهر خود را بجمیع احکام ظاهر شرعی متصف سازند و یکسره مواز دایره شریعت
 که بنابر اساس طریقت است بر ثباتند چه فعل یا موبات و چه ترک منهیات
 و درین باب کتب فقه و حدیث دانی و کافیه فی الجملة درین رساله هم ذکر آن
 گذشت **تصفیه باطن** عبارت از آنست که از باطن خود جمیع اوصاف ذلیل
 مثل غفل و بغض و حسد و کبر و ریا و حب دنیا و دوستی جاه و مخزن و عجب

دوست تر است از خدا سازند
 باطنی را در آن نور سازند
 از ذکر امد تعالی بهر طریقی
 و احوال و احوال
 مقامات نمودن ذکر احوال
 است که حدیثی است در حسن
 صحت گویند که ذکر احوال
 در تپیدن و تپیدن نیست
 بل آنست که احوال را در
 دایره ای پس از آنست که
 قالی نمودن دل از
 چیز که باز دارد از یاد خدا
 ۲۲
 طریقت است
 که مخصوص است باطنی
 است از طریقت سرور
 مقامات آنست
 آنچه که در آنست
 شریعت و طریقت
 آن در شریعت آمده

در مصلحت طاعات و عبادات
 باطنی و از آن بی جا نیست
 از آنکه احوال بر دل
 معادین علی
 که احوال بر دل
 و احوال بر دل
 که احوال بر دل

و غیر ذلک که در معنی هر یک از آن سه حالتی است پاک سازند و سرمایه نجات ابدی و
 حیات سرمدی حاصل نمایند و جمیع صفات جمیل چنانچه صبر و توکل و رزق و بقا و قناعت
 و علم و علم و غیر ذلک که سر و احد از آن بی غایت کمال اند باطن خویش را متصف
 گردانند و در کتب آداب و سلوک بر سهیل بسط و ذکر میشود و حاجت یار و آن
 مفصل درین سوره یافتاده که در طریق اختصار که در باب چهارم مذکور خواهد شد و
 تحلیله قلب عبارت از آنست که تو ج روح خود و خلاصه دل خویش بطرف
 حق سبحانه و تعالی آورند و چنانکه شائست و بانست هیچ چیز و محبت و مودت
 هیچ چیز در دل اوباقی نماند و همیشه علی الدوام یاد حضرت حق و دوستی آن فانیات
 مطلق صفتی لازم دل گردد که هر چند نایل صادق کنند مقصود الهی خود و غیر آنست
 نیابند و کل طریق طریقه اول آنچنان فرموده اند که چشم بر بند و زبان در کام
 پیچند و حیات خود را دم و اسپین شمارند و بدل خود کلمه فی و انشاء که عبارت از آنست
 لا اله الا الله است و افضل آنکه ذکر داده و بگویند و مخفی تصور نمایند
 بطریقی که بوقت لا اله الا الله خود جمیع ماسوی الله در حکم عدم پندارند و در وقت لا اله
 ذات بخود بی کیف حضرت باری تعالی را اثبات کنند و تصور نمایند اما بصفت تعظیم و محبت
 بر جمیع تمام تر باشند و همیشه برین فکر اوست که تا که حضور ذات بی کیف او بغیر تکلف از تو
 و دائمی گردان نگاه بران یاد داشت محافظت کنند طریقه دیگر آنست که اسم ذات
 که عبارت از کلمه الله باشد با دل خود بگویند و ضرب سازند که اثر گری آن در
 دل پیدا گردد و در هر بار و هر مرتبه تصور کنند که هیچکس غیر الله تعالی
 مقصود و محبوب و مطلوب و معبود نیست تا آنکه دل خود را از محبت ماسوی الله

بسم الله الرحمن الرحیم
 حبیب خداوند است
 با سر و صفت خداوند
 که سر و صفت خداوند
 متعین خداوند است
 خوف خداوند است
 احقر است خداوند
 سر و صفت
 وار شد در فضل
 انکه لا اله الا الله

۲۲۵

است قلب را که
 عبارت از صفات صفت
 است از زبان چپ
 نامشده در و صفت
 ذکر اتم فیه شود

خالی نیست و وجوه عالم و عالمیان را معدوم دانند و ذکر و تذکیر یکی گردد و ذکر
 هستی خود را فانی در هستی مذکور بنماید و چون جهان گردد و باید که علی الدوام در
 محافظت این نسبت علیا بکوشند و جَدِّ دَوَّاءِ اَیْمَانُ کَلِمَةُ یَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 اثبات است بدان و قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ کَمَا یَسْتِی است از آن مَکَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى
 وَأَذْكُرْ کُلَّ نَفْسٍ فِی نَفْسِکَ تَصَرَّعًا وَخِیْفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ الْعَدْلُ
 وَالْأَصَالُ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ یعنی یا وکنید الله تعالی را همیشه بدل خود و
 نباشید از غفلان حاصل آنست که الله تعالی جامع بندگان خود اقرب من خیل الزود
 است حجاب و در محض از غفلت است هرگاه این غفلت بر طرف گردد و خلاصه عبادت
 وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِعِبَادَتِهِ وَرِشَانِ آن واقعت حاصل
 آید چنانکه در وسیع آید تا از نجاست بعد از آن فضل الهی بحسب توداد
 و ارباب اولی فایض میگردد و السَّعْيُ مَبْنِیٌّ وَالْإِثْمَانُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى و در میان سبیل
 اسم ذات را تا دوازده هزار و نیمی و اثبات را یکبار و یکبار همیشه مواظبت در شستن
 شتر آن عجیب و غریب الله اعلم بالصواب فضیلت بر کلمه هر دو عاقل متذکر
 الله باشد همه موجب اجواب و باعث ثواب میگردد و اما اولی واجب آنست که از
 اذکار و ادعیه آنچه در کتاب الله نیست رسول الله صلی الله علیه و سلم فضیلت
 آن مخصوص اختیار نماید که در اینجا خلاصه آن لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ عَبْدُ اللَّهِ وَآلِهِ
 اللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ که در شان برود
 از این فضل و ثواب احادیث صحیح ثابت شده که در غیر آن نیست چنانچه سرور ربی آدم و
 جیم عالم محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم میفرماید هر که بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و بیست مرتبه

۲۴

۵۶
 لا الہ الا انت
 معبود کے سوا کوئی
 ہے نہ تو ہے۔
 سبحان العلیا کے
 نبی و مکیتم خدا کیلئے
 والحمد للہ و صلی علی
 خدیجہ کے
 جمیل و العزیز
 است و العزیز

والله اعلم
بالحق

اعتقاد داخل گردد و در بهشت هر چند که در میان گنایان کبار مثل ورمی
 زنا که عظم و نوبت مرکب باشد و فرمود که بهترین ذکر **لا اله الا الله** است و فرمود
 که گویای **لا اله الا الله** علیحدگی است و فرمود که بهترین علیه سلام الله تعالی
 خطاب کرد که یا موشی اگر مغبته آسمان بهشت زمین نهاده شود و یک پله از آسمان بگذرد
لا اله الا الله در پایداری و بی برآمدن گران آید پله که در آن کلمه **لا اله الا الله** است و
 فرمود که الله تعالی عذاب نمیکند از بندگان خود مگر در نکشختن آنکه اگر نماز را بگذشت
لا اله الا الله و فرمود که بهترین کلمات چهارند **سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**
وَاللَّهُ أَكْبَرُ و فرمود که سحان الله بر می کند نصف میزان را و الحمد لله بر سر تمام آنرا و لا اله
 الا الله بر سر نزدیک الله تعالی بر حجاب فرمود که هر که بگوید صبح **سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ**
وَاللَّهُ أَكْبَرُ و در شصت و گناهانش مثل درشتی که میریزد بر گنایان
 و فرمود که هر که بگوید صبح شام **سُبْحَانَ اللَّهِ** صد بار گوید یا که صد بار گوید یا که صد بار
 صبح و شام **سُبْحَانَ اللَّهِ** صد بار گوید یا که صد بار گوید یا که صد بار گوید یا که صد بار
 و هر که بگوید صبح و شام صد بار **لا اله الا الله** گوید یا که صد بار و از اول حضرت امیر
 علیه السلام از او کرده باشد و کسی که بگوید **سُبْحَانَ اللَّهِ** صبح و شام صد بار گوید یا که صد بار
 روز با عملی که بهتر باشد از آن و فرمود که دو کلمه سحان الله از زبان سنگین و گران اند
 در میزان و مقول و محبوب تر اند از هر سخن آن **سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ** **سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ**
 است و فرمود که **لا حول ولا قوة الا بالله العظیم** زیر عرش است از خزانه بهشت
 و فرمود که **لا حول ولا قوة الا بالله** وارد است از فود و نه مرض که آسان
 ترین آن غم باشد **فَضِيلَت** فرمود سرور عالم و فضل نبی آدم

۲۴
 پادشاهی بایستد
 خدایا که شکر
 حال آنکه شکر
 خدایا که شکر
 پادشاهی بایستد
 ۲۵
 پادشاهی بایستد
 پادشاهی بایستد
 پادشاهی بایستد

که الله تعالی را نود و نه نام اندر که همیشه خواند و در هر روز که از او بخشد و بر پشت خود
 الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الملیل القدوس السلام المؤمن
 المهيمن العزيز الجبار المتكبر الخالق البارئ المصور الغفار القهار الوهاب
 الشفيق الفتاح العليم القابض الباسط الخافض الرافع المعز المذل السميع
 البصير المحكم العدل الطيف الحی الخلیف العظیم العفو الشکور الغفار
 الکبیر الحفیظ المقیث الحسب الجلیل الکریم الرقیب الحیث الواسع
 الحکیم الودود المجید الباعث الشهید الحق الوکیل القوی المتین الولی
 المحمید المحصی البید المعید الحی المیت الحی القیوم الواحد الماحد
 الواحد الاحد الصمد القادر المقدر المقدم المؤخر الاول لا
 الظاهر الباطن الوالی المتعالی البر التواب المتقیم العفو الرؤوف
 الملیل ذو الجلال والاکرام الرب المسیط الجامع الغنی المعنی المعطی
 المانع الضار النافع النور الهادی البدیع الباقی الوارث الرشید
 الصبور باید دانست که در سجده میفرماید قل اذعوا لله او اذعوا للرحمن
 آیات آنند عوا فله الاسماء الحسنى بگوای محمد صلی الله علیه وسلم بخوانید
 حسن را بر اسمی که ازین اسمها دعا کنند پس خدا را ستایم بگویم و جمع این
 تقصیر و این دعوت اتفاق دارند بلکه بر اسمی که برین اسمها بسیار ذکر کرده شود آمان
 آن قاری یاد کسی که نیت آن بخواند ظهور میکند مثلاً اگر نیت مهم غرت و جاه اسم
 ملائک و عزیز و معز و متکبر و رافع و علی و عظیم و کبیر و متعالی و غیر اینهاست
 بسیار کند صاعقت و شوکت گردد و کخافض مذل و قهار و خافض و مثال آن

چنانکه در حدیث آمده است که هر کس این اسمها را بخواند
 ۱۲۵

بنیت قهر اعدا بخواند عبادش مقهور و خوار گردند و اگر بنیت فراخی برزق و کثایش
روزی واسع و کاسط و غنی و مغنی و رزاق و وهاب و مثال آن
بسیار خواند و مال و رزق آن وسعت زیاده رو نماید و بهین قاعده بهر طلب
خود اسمیکه موافق آن باشد بسیار خواندن موجب حصول آن مقصود است و بعضی
کسان برای هر اسمی عددی بحساب ایجاد و ترائفی و سماعی مقرر کرده اند و باشت
سعیت مطلوب بشمار بند هر حال عده و ریباب کمتر آن اسم است بنیت حصول مقصود
و الله اعلم بالصواب و فضیلت تلاوت قرآن و قرات آن نیکوترین
انواع عبادت است که رسول صلعم فرموده است هر که یک حرف از قرآن مجید بخواند
ثواب آن یک حسنه بیاید و ثواب آن حسنه را و چند کرده و بندگان پندارند که آن
تمام یک حرف است بلکه الف یک حرف است و لام یک حرف است و میم یک حرف است
و فرموده که بخوانید قرآن را که روز قیامت شفاعت خواهد کرد صحاب قاریان
و فرمود که روز قیامت خواننده قرآن را بگویند که قرآن را برترین بخوان دور درها
بهشت تری کن مکان تو آنجا است که تمام کنی فزاده آنرا و فرمود که خواندن قرآن
بهتر است از کسیر و تسبیح و صوم و صدقه پس لازم بر هر مسلمان است که هر روز قدری
ترتیل بخواند و در خود گوید که فضیلت آن در احادیث صحیح بسیار وارد شده
اگر مطلع باشد بفهمد معانی آن پس بهتر است و الا در وقت تلاوت این قدر
داند که کلام خداست و آنچه در آن از امر و نهی و قصص ذکر کرده است راست و
درست است ایمان آورد و بدان فضیلت آن باید داشت که هر چند تمام
قرآن و هر آیت از آن فاضله و بهتر است از جمیع ادعیه و عبادات لیکن در حق

۲۰۰۰

سید و طلبہ کئی ای محکمہ سے

۲۹

کردیم و ما سوار شدیم
بکشت وادویش از غم
و یمن با ما رسیدیم
مسلمانان را و
الاف

PA

سید و طلبہ کتب خانہ ایف۔ بی۔ سی

این روزی صد مرتبه و فرمود که هرگاه بنده او را میسند بگناه خود و رجوع نمیدارد بعد
 تعالی بآخرش از نوب خویش میبخشاید الله تعالی بر وی و فرمود که هر که در وقت
 نماید استغفار بر تنگی دین و دنیا را حق تعالی بر وی آسان گرداند و بغیر گمان رسول
 رساند و فرمود که سید الاستغفار و بزرگترین همه نیست اللهم أنت ربی لا اله الا انت
 خلقتنی وانا عبدک وانا عبدک وانا عبدک وانا عبدک وانا عبدک وانا عبدک وانا عبدک وانا عبدک
 اعوذ بک من شئ ما صنعت ابوء لک بنعمتک علی و ابوء بذنوبی
 فاغفر لی فإنه لا یغفر الذنوب الا انت بر که در روز گوید و بقیه بشتی
 کرد و هر که در شب گوید و بقیه بشتی کرد و در روز گوید و بقیه بشتی کرد و در روز گوید و بقیه بشتی کرد
 از وی سر زده شود پس بگوید در آخر مجلس خویش سبحانک اللهم و بحمدک
 اشهد ان لا اله الا انت استغفرک و اتوب الیک
 بخشیده شوند گناهان وی که در آن مجلس اقع شده باشد پس لازم است بر هر مسلمان
 که همیشه استغفار بخود لازم گیرد که رسول علیه السلام با وجودیکه بخشیده بود جمیع گناهان او
 هر روز صد بار توبه و استغفار میکردند فضیلت در روز و در ستاون و بعد از
 صلی الله علیه و سلم بزرگترین طاعات است که صلوا علیه و سلموا تسلیما
 حضرت حق تعالی میفرماید علیه الصلوة والسلام فرمود هر که یکبار بر من در روز و در
 رحمت فرستد بروی الله تعالی ده بار و بلند گردانیده شود او را ده وجه و در فرموده
 شود از نامه اعمال او ده بدی و نوزده بیکترین مردمان از من روز قیامت کسی خواهد بود
 که در و بر من بسیار فرستاده باشند و حق بشفاعت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم
 کسی در روز قیامت که در و بر من بسیار فرستاده است بر و فضیلت قاعده کلیه

این روزی صد مرتبه و فرمود که هرگاه بنده او را میسند بگناه خود و رجوع نمیدارد بعد
 تعالی بآخرش از نوب خویش میبخشاید الله تعالی بر وی و فرمود که هر که در وقت
 نماید استغفار بر تنگی دین و دنیا را حق تعالی بر وی آسان گرداند و بغیر گمان رسول
 رساند و فرمود که سید الاستغفار و بزرگترین همه نیست اللهم أنت ربی لا اله الا انت
 خلقتنی وانا عبدک وانا عبدک وانا عبدک وانا عبدک وانا عبدک وانا عبدک وانا عبدک وانا عبدک
 اعوذ بک من شئ ما صنعت ابوء لک بنعمتک علی و ابوء بذنوبی
 فاغفر لی فإنه لا یغفر الذنوب الا انت بر که در روز گوید و بقیه بشتی
 کرد و هر که در شب گوید و بقیه بشتی کرد و در روز گوید و بقیه بشتی کرد و در روز گوید و بقیه بشتی کرد
 از وی سر زده شود پس بگوید در آخر مجلس خویش سبحانک اللهم و بحمدک
 اشهد ان لا اله الا انت استغفرک و اتوب الیک
 بخشیده شوند گناهان وی که در آن مجلس اقع شده باشد پس لازم است بر هر مسلمان
 که همیشه استغفار بخود لازم گیرد که رسول علیه السلام با وجودیکه بخشیده بود جمیع گناهان او
 هر روز صد بار توبه و استغفار میکردند فضیلت در روز و در ستاون و بعد از
 صلی الله علیه و سلم بزرگترین طاعات است که صلوا علیه و سلموا تسلیما
 حضرت حق تعالی میفرماید علیه الصلوة والسلام فرمود هر که یکبار بر من در روز و در
 رحمت فرستد بروی الله تعالی ده بار و بلند گردانیده شود او را ده وجه و در فرموده
 شود از نامه اعمال او ده بدی و نوزده بیکترین مردمان از من روز قیامت کسی خواهد بود
 که در و بر من بسیار فرستاده باشند و حق بشفاعت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم
 کسی در روز قیامت که در و بر من بسیار فرستاده است بر و فضیلت قاعده کلیه

این روزی صد مرتبه و فرمود که هرگاه بنده او را میسند بگناه خود و رجوع نمیدارد بعد
 تعالی بآخرش از نوب خویش میبخشاید الله تعالی بر وی و فرمود که هر که در وقت
 نماید استغفار بر تنگی دین و دنیا را حق تعالی بر وی آسان گرداند و بغیر گمان رسول
 رساند و فرمود که سید الاستغفار و بزرگترین همه نیست اللهم أنت ربی لا اله الا انت
 خلقتنی وانا عبدک وانا عبدک وانا عبدک وانا عبدک وانا عبدک وانا عبدک وانا عبدک وانا عبدک
 اعوذ بک من شئ ما صنعت ابوء لک بنعمتک علی و ابوء بذنوبی
 فاغفر لی فإنه لا یغفر الذنوب الا انت بر که در روز گوید و بقیه بشتی
 کرد و هر که در شب گوید و بقیه بشتی کرد و در روز گوید و بقیه بشتی کرد و در روز گوید و بقیه بشتی کرد
 از وی سر زده شود پس بگوید در آخر مجلس خویش سبحانک اللهم و بحمدک
 اشهد ان لا اله الا انت استغفرک و اتوب الیک
 بخشیده شوند گناهان وی که در آن مجلس اقع شده باشد پس لازم است بر هر مسلمان
 که همیشه استغفار بخود لازم گیرد که رسول علیه السلام با وجودیکه بخشیده بود جمیع گناهان او
 هر روز صد بار توبه و استغفار میکردند فضیلت در روز و در ستاون و بعد از
 صلی الله علیه و سلم بزرگترین طاعات است که صلوا علیه و سلموا تسلیما
 حضرت حق تعالی میفرماید علیه الصلوة والسلام فرمود هر که یکبار بر من در روز و در
 رحمت فرستد بروی الله تعالی ده بار و بلند گردانیده شود او را ده وجه و در فرموده
 شود از نامه اعمال او ده بدی و نوزده بیکترین مردمان از من روز قیامت کسی خواهد بود
 که در و بر من بسیار فرستاده باشند و حق بشفاعت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم
 کسی در روز قیامت که در و بر من بسیار فرستاده است بر و فضیلت قاعده کلیه

در باب طاعات و عبادات آنست که بر عملی و فعلی که در آن یک از این صفات باشد حسب
نواب و باعث اجر میگردد و سبب باشد مژگانند تعالی را دوستی و تعظیم انصاف و حکما
ویرا تذکر بود باحوال غایت و امور آخرت و باعث بود بر نفع خلق الله و دفع ایدا
از ایشان و دور کننده باشد از اوصاف رفیقه مثل بغض و کبر و ریاض و
حب دنیا و غفلت از عقیق و غیبت و کذب و نیمه و غیره و کفو و نزدیک گرداننده بود
بصفات حمیه چنانچه صبر و توکل و صفا و تسلیم و ذکر و فکر و قناعت و امثال ذلک هر
و هر عملی که در آن یکی از این امور یافته شود موجب اجر آخرت میگردد اما بشرطیکه
بوجهی از وجه منع شرعی در آن وارد شده باشد و مقرون بود به نیت صحیح که هیچ
عملی بدون نیت قلب مقبول نیست و که حدیث **اِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ**
نص قطعی است **باب چهارم در بعضی نضاح و حکم ضروریه**
باید آنست که آدمی را مادی که مرید چنانست از ضروریات بشریه اش خود
و آشنامیدن و ستر پوشیدن نکاح کردن مکان جستن با چارست و هر یکی را از این
افراط است و تفریط افراط آنرا نهایت و نه تفریط از اغایت پس لازم آنکه در جمله امور
خود توسط اختیار نماید که اختیار **لا مود** او مظهرها واقع شده و میانی و میانه و
بر جزئیات مراتب اشخاص است و بسیار است که در حق یکی افراط است و در حق دیگری
اعتدال بلکه تفریط پس احوال و اطاری چنین بی قیود و منی گشت بی حرفتی رابقیاس
مقدار توسط شمارند و در طلب کسب از اند خود را در تفریط و محنت بینند از و این اصل است
شامل بر جزئیات متعدده ضروریه کثیره که ضبط آن موجب اطالت رساله میگردد و
نصیحت بر عملی و بر حق که خواهند گشت کنند و بیاموزند اهل ضروریات

2

ض

۵۰

2

...

CH

1

5

10

1

2

5

4

6

•

11

۱۲/۱۱/۱۳۳۷

محبت علما و اعیان از دست نهند و غنیمت شمارند که کسی سیرت عظیم و کبریاست
 آنست که در کمترین خود پیدا میکند نصیحت عیادت بر بطن لغت مصاب
 از فضل حمید و بحسن اخلاق است و در جوابت ثواب نصیحت بعد بر
 رحمت و نعمت الحمد لله رب العالمین گویند و پس نصیحت است ان الله و ان الله
 لا یجوز خوانند پس از آن گویند اللهم اجعل فی فی مصیبتی و اخلف فی خیرا
 چنانچه نصیحت آداب هر فعلی چنانچه اکل و شرب و یام و عود و وصل و فصل
 و کلام و کتب و ادب و قوم است هر چه بآورد نصیحت در غمهای وافر و فقر و فقر
 تا توانند از اخلاق قدیم خود برگردند و بدولت خود چندان نازند و از غربت و فقر
 خویش چندان نالند که گردون گردانند و جهان جهان است بزیج و است
 ایام حیات خود غنیمت دانسته اند تا می زده الا حشره شمارند و دل را اعمال
 یک گمارند چون در یک سبزه بخت استغفار و توبه و تپش شغال خود نمایند و اهل
 و عیال خویش را نصیحت کار خیر و صبر استقامت کنند و اگر فضل باری تعالی یاری
 دهد جان خود را بلکه لا اله الا الله بسیارند خاتمه اما بعد میگوید زنده و درگاه
 کهیم محمد اهل البدن شاه عبد الرحیم که باعث بر تصنیف این رساله و تالیف این رساله
 آن شد که طلب علم بر بر مسلمانان فرض است و سهم از تحصیل آن نهایت قاص
 اند بابران مناسب چنان نمود که خود را به حقان و نفع و فضل فضل اعمال
 و نصایح و حکم علی سبیل الامار و الاختار و در او را فی چند مرقوم گردانیده که
 خوانند در عرصه قلیل و ایامی متعدد و به تحصیل آن فایز شود و چون بعون الله

Handwritten text in Persian script, likely a continuation of the letter or a separate note, written in a cursive style.

تعالی این مقدمه در ابواب اربعه صورت ارقام تمام گرفت و پیرایه
 نام آن چهار باب تسین یافت و الحمد لله آفر
 و اخبرنا و ظاهراً و باطناً

تمام شد انطباع نسخه تیر که چهار باب الف فردوس آرامگاه حضرت
 مولانا شاه اهل الله برادر شاه ولی الله محدث دهلوی مطابق نسخه
 که در بیت السلطت لکهنو در مطبع مصطفائی طبع گردیده
 مطبوع بر خاص و عام شد

۳۷

بسم الله الرحمن الرحيم
 عن ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله
 عليه وسلم ان الله تعالى تسعة وتسعين امثلاً من احصاها دخل
 جنة خجاسي و سلم ان ابي هريرة رضي الله تعالى عنه روى است که فرمود رسول خدا
 صلعم بدينه خدا تعالی راست نود و نه نام که هر که احصا کند آنرا او اهل بهشت
 خواهد بود بعضی گفته اند که احصا عبارت از مناجات باين نود و نه اسم اعظم است و بعضی
 حفظ نمودن اين اسم را درست چنانچه در روايت ديگر من حفظها آمده يعنى نمى که
 حفظ کند آنها را و حافظ ابو عيسى ترمذى تفصيل آن اسم را هم روايت نموده چنانچه
 ميشود هو الذى لا اله الا هو است خدا اينکه نيست مستحق عبادت مگر او است
 بشارت شده الرحيم نهايت مهربان المالك متصرف در ملك ظاهر و باطن



کشته در کبابی بر چیز الغریب غالب بی همتا انجناد صاحب کبریا و جبروت با جبر
 هر کشته خلق بر چه خواهر مشکیز صاحب کبریا و عظمت الخالق بست کشته چیرا انجاد
 آفریننده چیرا بی نمونیا آفریننده جانداران المصنوع صورت نگار خلق الغفار بست
 آفریننده الغفار غالب بر چیز الوهاب بی عوض بسیار خشنه الرزاق روزی
 دهنده مخلوقات الفتح نیک کشاننده ابواب رزق و رحمت با حاکم در میان
 العظیم نیک ناب بر چیز القابض نیک کشنده روزی حکمت و صحت الباسط
 کشنده سازنده روزی مجود و رحمت الخافض بست گرداننده سکران الرزاق
 بلند گرداننده سوسنان المعز غره دهنده الدال ذلت دهنده السميع نیک
 البصیر نیک بینا الحکم نیک حکم کننده العدل دادگر که بهوای نفسانی
 جز نمی کند اللطیف باریک بین یارساننده مراد می بندگان بر می و در حق
 الخبیر با خبر از گذشته و آینده التحکیم بر و بار که در عقوبت عاصیان تعجیل میکند
 العظیم بزرگوار مطلق العفو مهربان آمرزنده الشکور دقدردان شاکران
 یا اندک پذیر و بسیار دهنده العلی برتر از همه که همه کس رتبه از وی کمتر اند که بگوید
 فائق بر چیز الحفیظ نگهدارنده خلق از کمرومات الحقیقت توانا یار روزی دهنده
 الخسب کفایت کننده همه با حساب گیرنده از بندگان در روز قیامت
 الخلیل بنده گوار مطلق بی نیاز الکرم بزرگوار با صاحب کرم الرقیب نگهبانی
 که چیزی از حفاظ او غایب نباشد الخبیر قبول کننده دعا های بندگان

در کبابی بر چیز الغریب غالب بی همتا انجناد صاحب کبریا و جبروت با جبر
 هر کشته خلق بر چه خواهر مشکیز صاحب کبریا و عظمت الخالق بست کشته چیرا انجاد
 آفریننده چیرا بی نمونیا آفریننده جانداران المصنوع صورت نگار خلق الغفار بست
 آفریننده الغفار غالب بر چیز الوهاب بی عوض بسیار خشنه الرزاق روزی
 دهنده مخلوقات الفتح نیک کشاننده ابواب رزق و رحمت با حاکم در میان
 العظیم نیک ناب بر چیز القابض نیک کشنده روزی حکمت و صحت الباسط
 کشنده سازنده روزی مجود و رحمت الخافض بست گرداننده سکران الرزاق
 بلند گرداننده سوسنان المعز غره دهنده الدال ذلت دهنده السميع نیک
 البصیر نیک بینا الحکم نیک حکم کننده العدل دادگر که بهوای نفسانی
 جز نمی کند اللطیف باریک بین یارساننده مراد می بندگان بر می و در حق
 الخبیر با خبر از گذشته و آینده التحکیم بر و بار که در عقوبت عاصیان تعجیل میکند
 العظیم بزرگوار مطلق العفو مهربان آمرزنده الشکور دقدردان شاکران
 یا اندک پذیر و بسیار دهنده العلی برتر از همه که همه کس رتبه از وی کمتر اند که بگوید
 فائق بر چیز الحفیظ نگهدارنده خلق از کمرومات الحقیقت توانا یار روزی دهنده
 الخسب کفایت کننده همه با حساب گیرنده از بندگان در روز قیامت
 الخلیل بنده گوار مطلق بی نیاز الکرم بزرگوار با صاحب کرم الرقیب نگهبانی
 که چیزی از حفاظ او غایب نباشد الخبیر قبول کننده دعا های بندگان

فان علم حسان درین
بنیاد است بر بنیاد

الواشیع فراخ است عطا و رحمت و علم او الحکیم استوار که
بنندگان المجد صاحب بزرگی و شرف الباعث و مستند رسولان
کننده مردگان الشهدا حاضری که غایب نگردد الحق متحقق الوجود یا نه
خداوندی الوکیل آنکه کار خود را باید سپرد القوی توانایی که عجز را باده نیست
المبین استوار یکدیگر بهیچ کار و بهیچ شقت نرسد الولی یاری دهنده یا رسولی که رساننده
الحمد ستوده شده که سر او را تمام شایسته است زیرا که او جمیع کماله موصوفت الحضر
ضبط کننده بر چیز خود باشد یا کمالان المبدی پدید کننده چیز را از عدم المجد بار آورنده
خلق بسبب توبه بعد از حیات و بسوی حیات بعد از الحیات زنده کننده المهدی رساننده محلی
زنده و امی القیوم قیام ناینده بتدبیر و حفظ خلق الوجد تو نگه که محتاج نگردد
المساعد بزرگوار مطلق الواجد تنها بخدای که نظیری محالست الاکحد
یکتا که یار و دگر ندارد و ششوی احد است شمار از و معزول صمد است نیاز از و
مخدول آن احدی که حس شناسد و هم آن صمدی که عقل داند و فهم المصمد
بی نیازی که قبله حاجات است المقادیر توانا بر چیز المقدر توانا که بر نانو
راه نیابد المقدم پیش کننده بر که خواهد الموفق بر پس کننده بر که خواهد الموفق
حکمت الاول پیش از همه در ذات وجود الاخر باقی مانده بعد از خلق القادر
اشکار الباطن پنهان از چشم خلق یا آنکه حواس و عقول از او رگ کنده حقیقت وی
عاجز اند الوالی ناکس چیز را و تصرف کننده در آنها یا تدبیر و قدرت المتعالی
فایق و برتر از موصوف شدن بصفات مخلوقات الاله بسیار بیکو کار التوا
قبول کننده توبه تا بیان المذنب مکارفات کننده عصیان بعد از

فان علم حسان درین
بنیاد است بر بنیاد
عاجز است بجا می
غزالی در گفته مجید
است از ذات وی شریف
و انصاف می جلیل
دری خلیل باشد

۲۹۰

قیامی ثابت منبسط
است است موجود حقیقی
که هرگز از وی وجودی کم
حقیقی را ازین بعیت که قوت
دست کامل و باغ فایده
قوی گویند و بیان بسیار
که قوت دست شریف است
مبین گویند

۱۱ ۱۲ ۱۳

فان علم حسان درین
بنیاد است بر بنیاد
عاجز است بجا می
غزالی در گفته مجید
است از ذات وی شریف
و انصاف می جلیل
دری خلیل باشد

۸
فان علم حسان درین
بنیاد است بر بنیاد
عاجز است بجا می
غزالی در گفته مجید
است از ذات وی شریف
و انصاف می جلیل
دری خلیل باشد

[illegible]

صفحه	باب	صفحه	باب
۲۱	فصلت جمله و موم و کوفه	۲۰	باب اول در عقاید اهل سنت
۲۲	بیان حرکتی ظاهر و تصفیه باطن و تخلیه قلب	۶	باب دوم مسائل فقه
۲۶	فصلت نود و نه نام باری تعالی	۸	مسائل غسل و تیمم
۲۸	فصلت قرآن و تسمی آن	۹	مسائل مسح و حیض
۲۹	مبحث حصول مطلب از کبریه حکم کبریته احمد و اسم اعظم دارد	۱۰	مسائل نماز
۳۰	بیان استغفار در روز آخرت صلعم	۱۲	احکام سفر و عیدین و کسوف و خسوف
۳۱	باب چهارم در فضیله و حکم ضروریه	۱۵	فایده خیاره و طریق دفع و کفن
۳۴	ترجمه نود و نه نام باری تعالی	۱۶ و ۱۷	مسائل زکوة و صدقه فطر
		۱۸	مسئله اعتکاف و مسائل حج
		۱۹	باب سوم در فضائل اعمال

CALL

۳۵۰۹۵۹
[ج ۲۳]

ACC. NO.

۲۵۶۷۵
~~۲۵۶۷۵~~

AUTHOR

TITLE

جواب

۳۵۰۹۵۹
۲۵۶۷۵
۲۵۶۷۵
جواب

Date	No.	Date	No.
BOON	bijnd		
Test No	3/18		
23.7.96			

ED AT THE



Maulana Azad Library ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:-

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

